

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



السلام عليك يا علي بن موسى الرضا (ع)



فن دیپلماسی

و

آداب کنسولی

استاد: سر تپ پاسدار محمد غفاری

فهرست :

بخش اول : فن دیپلماسی

- فصل اول : تعاریف و کلیات
- فصل دوم : شرایط برقراری روابط دیپلماتیک و نمایندگی دیپلماتیک
- فصل سوم : ارکان روابط دیپلماتیک
- فصل چهارم : ویژگیها ، خصوصیات و مصونیت‌های دیپلماتیک

بخش دوم : آداب کنسولی

- فصل پنجم : حقوق و روابط کنسولی
- فصل ششم : انواع وظایف کنسولی
- فصل هفتم : انواع مصونیت‌های کنسولی

((بخش اول))

فن و پیماسی

((فصل اول))

* مقدمه .

* مفهوم دیپلماسی .

* زبان دیپلماسی

* تاریخچه دیپلماسی .

* تفاوت سیاست با دیپلماسی

* دیپلمات کیست ؟

* ویژگیهای دیپلماسی .

مقدمه:

همانطور که در جامعه انسانها با یکدیگر در ارتباط و تعامل هستند و در چارچوب حقوق و قوانین موضوعه روابط بین خود را تنظیم مینمایند دولت ها نیز بعنوان بازیگران اصلی نظام بین الملل ناگزیر به برقراری ارتباط و تعامل باهم هستند، و این برقراری ارتباط و تعامل از زمان پیدایش نخستین جوامع انسانی وجود داشته است و به تبع آن رفتار دولت ها در این خصوص به مرور زمان قانونمند و در چارچوب قواعد و قوانین پذیرفته شده درآمده است و حقوق دیپلماتیک کنسولی نیز که ما بین دولت ها حکم فرما هست خود نتیجه این فرایند طولانی می باشد.

مفهوم دولت و حکومت :

در فرهنگ اصطلاحات حقوق بین الملل دو واژه خاص یکی برای دولت "Etat" و دیگری برای حکومت "Gouvernement" هست که در معنی کاملاً از هم متمایزند ، اگر چه در فارسی گاهی بجای هم مورد استفاده قرار می گیرند .

تفاوت مفهوم این دو واژه "دولت" و "حکومت" این است که دولت به معنی شخصیت حقوقی ملت است که منشاء سه قوه مجریه و مقننه و قضائیه می باشد و حکومت قدرت اجرایی آن شخصیت حقوقی است .

لذا به رئیس جمهور یا رئیس کشور ، هر عنوانی که داشته باشد ، رئیس دولت می گویند .

مفهوم دیپلماسی :

دیپلماسی ، راه و روش اجرای سیاست خارجی کشورها ست . و یا روش حل و فصل مسائل مربوط روابط خارجی دولت با دول دیگر به وسیله مذاکره یا هر طریق مسالمت آمیز دیگر است .

در تعریف دیپلماسی سه نکته وجود دارد :

نخست اینکه : دیپلماسی روشی است در بهتر پیش بردن و موفقیت در مسائل مورد نظر.

دوم اینکه : آن مسایل،مربوط به روابط خارجی دولت است نه امور داخلی آنها .

وسوم اینکه : دیپلماسی باید با مذاکره و گفتگوهر طریق مسالمت آمیز دیگر باشد.

زبان دیپلماسی:

وقتی روابط از دو دولت تجاوز و بین چند دولت مطرح شود یا مکاتباتی باید بین آنها مبادله گردد ، باید زبان مشترکی باشد که همه آنها بدانند و به آن زبان مقاصد یکدیگر در مذاکره یا مکاتبه به سایرین بفهماند . این زبان مشترک را زبان دیپلماتیک می گویند . چون کشورهای اروپایی فرهنگ و تمدن مشترکی داشتند و دارند که از تمدن روم قدیم ریشه گرفته از زمانهای قدیم بین آنها زبان لاتین مفهوم بود و دانشمندان آنان همه به زبان لاتین می نوشتند و در روابط دیپلماتیک آنها نیز زبان لاتین مشترک برای مذاکرات و مکاتبات و عهدنامه ها بود. در اواسط قرن هفدهم و زمان سلطنت لوئی چهارده در فرانسه که روابط بین المللی اروپا به طور گسترده افزایش یافت، کشور فرانسه تحت تاثیر نفوذ سیاسی آن پادشاه مرکز ثقل سیاست اروپا شد ، و به این جهت زبان فرانسه در محافل دیپلماتیک رایج گردید .

درکنگره معروف وین (۱۸۱۵) کلیه مذاکرات رسمی درکنفرانس بین سلاطین اروپا وقرادادهایی که منعقد شد به زبان فرانسه بود. از آن به بعد زبان فرانسه منحصرآ زبان بین المللی ودیپلماتیک شد وسایر کشورهای غیراروپایی نیز قراردادهای دوجانبه خودرا، اگرزبان مشترک ملی نداشتند، به زبان فرانسه می نوشتند.

درجنگ جهانی اول پای امریکا به اروپا کشیده شد ونفوذ امریکا در مذاکرات صلح وتاسیس جامعه ملل، زبان انگلیسی راوارد مناسبات وروابط بین المللی کرد به طوری که قرارداد معروف ورسای بین متفقین فاتح وآلمان به زبان انگلیسی نوشته شد وجامعه ملل زبان انگلیسی وفرانسه رابه طور یکسان زبان رسمی می دانست.

زبانهای روسی و چینی به خاطر نقش مهم آنها در جنگ و سیاست جهان و شورای امنیت و نیز زبان اسپانیولی به خاطر اینکه یک قاره بزرگ به آن متکلم است وارد کار سازمان ملل شدند. اکنون مذاکرات و سخنرانی‌ها در مجامع عمومی سازمان و موسسات وابسته به آن و همچنین گزارش‌ها و نوشته‌های دیگر سازمان به این پنج زبان است و اسناد و عهدنامه‌های سازمان ملل به فرانسه و انگلیسی رسمیت دارند.

تاریخچه دیپلماسی:

تاریخ دیپلماسی به قدمت تاریخ انسان است. انسان در برخورد با هم‌نوع و حتی کودک هم زمانی پس از تولد آن را در ساده‌ترین شکل برای ارضای تمایل خود به کار می‌برد. در جوامع قدیمی و ابتدایی هر وقت کسی نتوانسته است خواست خود را به زور بر دیگری تحمیل کند بوسیله‌ی روشی که نوعی دیپلماسی است سعی کرده است به او بقبولاند. حل اختلافات به این شیوه بین قبایل با فرستادن **قاصدانی** صورت می‌گرفت. **کشتن یا زندانی کردن قاصد مسلماً با دیپلماسی منافات داشت.** به همین خاطر اولین اصلی که در دیپلماسی با تعصب رعایت می‌شد **مصونیت قاصد بود.** در واقع روابط دیپلماتیک نیز از همان زمانها آغاز شد. **به طور کلی تاریخ تحول روابط دیپلماتیک را به دو دوره تقسیم می‌کنند. دوره‌ی اول از قدیم‌ترین زمان تا سده‌ی ۱۵ میلادی و دوره‌ی دوم از آن سده تا زمان حاضر است.**

الف) دوره ی اول:

قدیمی ترین سندی که حکایت از وجود تاسیس شبه دیپلماتیک می کند اشعار هومر شاعر یونانی در کتابش ایلیاد است که اشاره به اعزام یک هیأت به شهر تروا در داستان ربوده شدن هلن و برای آزاد کردن او دارد. یونانیان در ایجاد روابط دیپلماتیک پیشرفت های قابل توجهی کردند و قواعدی را بنیان نهادند. مثلا نماینده ی دیپلماتیک آتن در کشور دیگر می بایست استوارنامه از هیات آتن داشته باشد. این نماینده اگر تنها ادعای آن را داشت مجازات می شد همچنین چنانچه از رئیس بخش محل ماموریتش هدیه دریافت می کرد مجازات می شد. تیماگوراس فرستاده ی آتن نزد اردشیر اول پادشاه هخامنشی که هدیه گرفته بود متهم به رشوه گیری شد و دموستن خطیب معروف وقتی سفیر یونان در مقدونیه بود متهم به گرفتن رشوه (هدیه) از فیلیپ مقدونی گردید. در عوض به مامورانی که در ماموریت خود موفق می شدند پاداش داده می شد.

در همین زمان تاسیس کنسولی هم در یونان به وجود آمد. با تمام پیشرفتی که روابط دیپلماتیک در آتن کرد دیپلماسی یونان جز در زمان پریکلز موفق نبود زیرا دموکراسی آتن مجال چندانی به بروز ابتکارات شخصی نمی داد تا نمایندگان آن بتوانند استعداد خود را ظاهر کنند. در این زمان رم قدیم نتوانست در دیپلماسی میراثی برای خود بر جای بگذارد زیرا رمی ها تمامی انسانها به جز خودشان را پست می دانستند و همیشه در صدد بودند تا سیاست خود را بر دیگران از راه زور اعمال کنند. در عوض رمی ها سازمان و حقوق و قانون و نظام مشخص و محکمی داشتند، که پایه های حقوق بین الملل و حقوق خارجیان و حقوق بین الملل خصوصی را گذاشت.

امپراتوری بیزانس (رم شرقی) پیشرفت بیشتری در دیپلماسی و اداره‌ی روابط دیپلماتیک داشت اما دیپلماسی را به سمت تزویر و فریب سوق داد. ونیزی‌ها تاسیس دیپلماسی را از بیزانسی‌ها یاد گرفتند ولی با ابداعاتی که در آن وارد کردند یک سیستم پیشرفته‌ی دیپلماسی ایجاد کردند که تا قرنهای بعد نمونه‌ی بهترین سیستم برای اروپاییان شد و هنوز هم بعضی ابداعات آنها معمول است. تاسیس بایگانی کامل و مرتب گزارش‌های سفرا و مکاتبات دیپلماتیک، بولتن اخبار کشور برای مامورانی که در خارج از ونیز بودند، اختراع رمز و استفاده از آن در مکاتبات دیپلماتیک و سیاسی و بخش نامه‌های دولت از آن جمله است.

ب) دوره ی دوم:

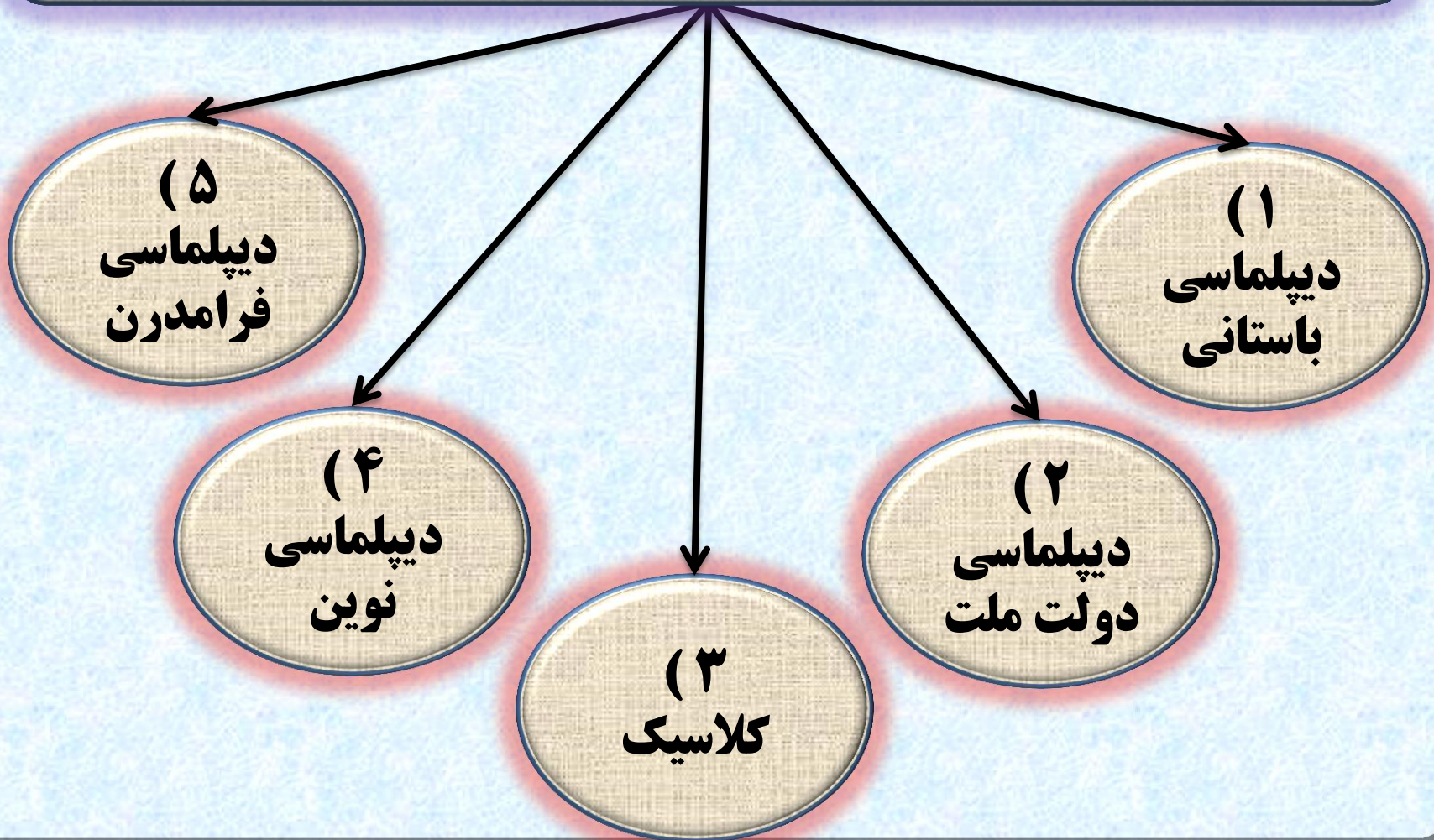
سده ی پانزدهم آغاز دوره ی جدیدی در تاریخ دیپلماسی و روابط دیپلماتیک محسوب می شود که ونیزی ها پایه گذار و مبتکر آن بودند . آنها مدت ماموریت فرستادگان خود را که کوتاه بود زیاده تر کرده و به دو سال افزایش دادند . به این ترتیب برای اولین بار ماموریت دائم دیپلماتیک و دیپلمات مقیم بوجود آمد . در این سده عموماً ماموریت دیپلمات ها جاسوسی بود . نمونه ای که جمهوری ونیز از دیپلماسی به دنیای آنروز داد به تدریج توسعه یافت . قدرت پاپ نیز در اداره ی سیاست اروپای مسیحی توسعه یافت و اعمال این قدرت محتاج داشتن نمایندگان نزد پادشاهان اروپا بود . در قرن ۱۶ نمایندگی دیپلماتیک دائم در کشورهای اروپایی عادی شده بود و نمایندگان درجاتی داشتند که به عناوین لگا legat و سفیر Ambassador خوانده می شدند. در قرون ۱۷ و ۱۸ قواعد ایجاد شده در گذشته مورد قبول اکثر کشورهای اروپایی واقع شد و همین قواعد بود که کنگره ی ۱۸۱۵ وین و پس از آن کنگره ی آکس لاشاپل را تدوین کرد.

تا اواخر قرن ۱۸ هنوز وزارتخانه‌ی امور خارجه به صورت امروزی به وجود نیامده بود. در قرن ۱۹ با توسعه وسایل ارتباط مانند راه آهن و تلگراف و پست مکاتبات بین کشورها افزایش یافت، و نیز توسعه و تنوع روابط بازرگانی و مسافرت اتباع از کشوری به کشور دیگر بر حجم مکاتبات سفارتخانه‌ها افزود. همین امر باعث حرفه‌ای‌تر شدن کادر سفارتخانه‌ها شد. زبان دیپلماتیک یا بین‌المللی تا قرن ۱۷ لاتین بود. از آن به بعد به علت قدرت و نفوذ پادشاه فرانسه در سیاست اروپا زبان فرانسه زبان دیپلماتیک شد و از سال ۱۹۱۹ به بعد زبان انگلیسی به عنوان زبان بین‌المللی پذیرفته شد.

ج) دوره ی سوم.

قرن بیستم و بخصوص دوره ی بعد از جنگ جهانی دوم شاهد دو تحول بزرگ در دیپلماسی است که به تدریج توسعه یافته است. اولاً پاره ای از اصول قدیمی که در دنیای جدید بین المللی دست و پای دیپلماسی را تا حدود زیادی می بست کنار گذاشته شد. ثانياً قسمت مهمی از دیپلماسی از سفیر به وزیر امر خارجه و در مسائل مهم به روسای کشورها انتقال یافته و آن قسمت از مسائل بین المللی که عده ای از کشورها را در بر می گیرد در کنفرانس ها و سازمان های بین المللی حل و فصل می شود.

در یک تقسیم بندی دیگر : تاریخچه دیپلماسی به پنج دوره تقسیم می شود:



۱: دیپلماسی باستانی : که از زمان یونان باستان و دولت شهرهای یونان باستان وجود داشت و تا سال ۱۶۴۸ از این تاریخ دولت ملت ها شکل گرفت

۲: دیپلماسی دولت ملت ها : از سال ۱۶۴۸ تا ۱۸۱۵ روابط جدیدی باشکل گیری کشورهای بزرگ اروپایی ایجاد می شود .

۳: دیپلماسی کلاسیک : از سال ۱۸۱۵ تا ۱۹۱۴ که عصر طلایی دیپلماسی نامیده می شود ؛ زیرا از سال ۱۸۱۵ کشورهای بزرگ اروپایی که خود را خودکفا می دانستند خطر ناپلئون را حس کرده و روابطی برای ایجاد امنیت کشورها ایجاب برای تفاهم میان کشورها و در این دوران از سال ۱۸۱۵ تا ۱۹۱۴ یعنی آغاز جنگ جهانی اول دیپلماسی بود که بمدت صد سال امنیت را برقرار نمود.

۴: دیپلماسی نوین ، از سال ۱۹۱۹ که پس از ۵ سال از جنگ جهانی اتفاقاتی ایجاد شد که باعث افزایش نقش دیپلماسی در میان کشورها شد.

الف : شکل گیری جامعه ملل متحد برای اولین بار مقر دائمی ایجاد ب - انقلاب ۱۹۱۷ روسیه که واقعیات جدیدی را در روابط دیپلماسی پنهان جهان افشا کرد . ج : در همین دوران کشورها مانند آمریکا ، ژاپن وارد عرصه ی بین المللی شدند و دیپلماسی از انحصار کشورهای اروپایی خارج شد که یک تحول بزرگ و مهم تلقی می شد و باعث گردید چهره دیپلماسی تغییر کند. د : تحول مهم دیگر تشکیل سازمان ملل متحد بعد از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۶ می باشد و با ایجاد مقر دائمی نمایندگان کشورها دائم باهم در گفتگو هستند که این دیپلماسی را از دیپلماسی سازمانی می گویند .

ویژگیهای دیپلماسی نوین :

الف : از سطح تشریفات کاسته شده است .

ب : بوجود آمدن نهادهای موازی با وزارت خارجه از قرن ۱۹ یک نهاد تخصصی ایجاد شد (وزارت خارجه) که تخصص آن پی گیری سیاست خارجی بود اما امروزه نهادهای به موازات وزارت خارجه اقدام می کنند مانند کمیسیون سیاست خارجی مجلس یا در مورد مسئله هسته ایران شورای امنیت ملی پی گیری می کند .

ج : دیپلماسی بعد وسیعتری پیدا کرده است کا از جمله این وسعت می توان : الف : به استفاده از رسانه ها ب : استفاده از تبلیغات اشاره نمود که تأثیر فراوانی در امر دیپلماسی دارد. در بعد تبلیغات رادیو آمریکا را می توان نمونه ای بارز دانست .
د : دیپلماسی امروز از گذشته بسیار شفاف تر شده است حکومتها به دلیل دموکراتیک بودن تا حد زیادی از محرمانه بودن قضایا کاسته اند اما باز هم ویژگی اصلی دیپلماسی محرمانه بودن است .

ه : گسترش دیپلماسی ، امروزه دیپلماسی در کره خاکی گسترش شده است و مانند گذشته محدود به چند قدرت بزرگ اروپایی حاکم در جهان نمی شود .

۵ : دیپلماسی فرامدرن :

این دوره دیپلماسی علاوه بر ویژگی خاص دوران مدرن در دو - سه دهه اخیر شاهد تغییراتی دیگر بوده است ، برخی از این شرایط عبارتند از :

الف : دیپلماسی پنهان به آشکار تبدیل شده است .

ب : تنزل ارزش و جایگاه و اختیارات دیپلمات ها بویژه سفیر (به علت پیشرفت در صنعت مخابرات و ارتباطات و پیشرفت تکنولوژی)

- ج : شکل گیری دیپلماسی سران (در حد وزاری خارجه، رئیس حکومت) امکان سفر به کشور های مختلف در طول یک روز وجود دارد و همین امکان موجب برگزاری کنفرانس ها و جلساتی در حد سران (وزاری خارجه، رئیس حکومت و ...) در موضوعات مختلف می شود.
- د : شکل گیری دیپلماسی کنفرانس ها و سازمان های بین المللی .
- ه : ورود سازمان های غیر دولتی (NGO) به عرصه دیپلماسی .
- و : تقویت نقش افکار عمومی (بر اثر پیشرفت رسانه ها و آگاهی مردم) .
- ز : نقش شرکت های چند ملیتی در هدایت فعالیت های سیاست خارجی کشور های تحت کنترل .
- ح : نقش جدی رسانه ها در عصر انفجار اطلاعات در سازماندهی عرصه دیپلماسی .

تفاوت سیاست با دیپلماسی:

در فارسی غالبا واژه سیاسی به جای واژه دیپلماتیک و " مأمور سیاسی " و " نماینده سیاسی " به جای مأمور و نماینده دیپلماتیک به کار می رود ، درحالی که بین معانی سیاست و دیپلماسی تفاوت وجود دارد . سیاست اجمالا خط مشی دولت برای وصول به اهدافی است که معین کرده که به خود آن اهداف هم سیاست گفته می شود (مثلا تنزل تورم سیاست دولت است) اما دیپلماسی نحوه اعمال و اجرای آن سیاست ها در خارج کشور و نسبت به دولت های بیگانه است . بنابراین آنچه که دیپلماسی را از سیاست جدا می کند جنبه "خارجی بودن" آن یا اجراء شدن آن در خارج از کشور است. به عبارت دیگر، دیپلماسی اجرای سیاست های خارجی دولت است.

دیپلمات کیست؟

دیپلمات در اصطلاح عمومی به کسی گفته می شود که در فن محاوره و گفتگو زبردست باشد ، و در معنای خاص دیپلمات کسی است ، که در حرفه دیپلماسی است و شغل او انجام اموری از سیاست خارجی کشور خود در یک کشور دیگر است . به جهت دیگر می توان گفت : دیپلمات کسی است که موضوعاتی از امور خارجی دولت را به وسیله مذاکره با دولت های دیگر انجام می دهد ، با وجود این مقصود از عنوان خاص ، دیپلمات مأموری است که منحصرآ در شغل و حرفه دیپلماسی کار می کند

ویژگیهای دیپلماسی :

- ۱- دیپلماسی حاوی **تشریفات** است .
تشریفات آمیخته شده با دیپلماسی به ارث برده شده از دربار پادشاهان قرن نوزدهم است .
- ۲- دیپلماسی دارای **حساسیت** است بدلیل اینکه اشتباه در کار یک دیپلمات موجب صدمه خوردن به منافع ملی کشور متبوع خود می شود زیرا بطور مستقیم بامنافع ملی درارتباط است.
- ۳- **محرمانه** بودن جزء ذات دیپلماسی است و جزء ویژگیهایی است که از پادشاهان اروپایی به ارث رسیده است.

۴- دیپلماسی مترادف است با **توطئه حرفه ای** ، **مرموز و مخفیانه** ، به طور مثال ۱۹٪ سفارتخانه شوروی وانگلیس محل توطئه در ایران شناخته شده بودند.

۵- دیپلماسی **زبان خاص** خود را دارد کلماتی که در میز مذاکره رد و بدل می شود بازبان و کلماتی که بصورت محاوره ای و روزانه استفاده می شود متفاوت است ؛ بطور مثال زمانی که سفیر یک کشور مانند فرانسه در کشورهای دیگر نارضایتی دولت متبوع خود را اعلام می کند و می گوید دولت متبوع من از فلان اقدام شما ناخرسند است یعنی بطور دقیق مخالفت دولت خود و عصبانیت سیاستمداران را ابراز می کند اما بالحنی بسیار ملایم !

۶- دیپلماسی الزامات خاص خود را دارد ، دیپلمات لزوماً اشتغالاتش تعریف شده و معین نیست ، بطوریکه اهداف کار ، شیوه ، روش و ابزار رسیدن به آن رامی طلبد و روشها متفاوتند ، بطور مثال برای کسب اخبار محرمانه از کشور مقابل به هر طریق ممکن حتی جاسوسی یعنی راههای متفاوت برای کسب اطلاعات وجود دارد.

۷- دیپلماسی هم علم است و هم هنر . از این جهت علم است که باید مبتنی بر دانش حقوقی و سیاسی و شناخت مردمی باشد و آموختنی است .

و از آن جهت هنر است که بکار بردن مؤثر آن در عمل ، استعداد شخصی لازم دارد ، فراست ، زیرکی ، حسن تشخیص ، درک مقتضیات زمان و شرایط احوال و انعطاف پذیری چیزی نیست که در صورت عدم وجود تنها آموختنی باشد .

((فصل دوم))

- * شرایط برقراری روابط دیپلماتیک
و نمایندگی دیپلماتیک
- * منابع حقوق دیپلماتیک

شرایط برقراری روابط دیپلماتیک و برقراری نمایندگی دیپلماتیک

اصل اساسی در حقوق بین الملل عمومی اینگونه است : دو دولت زمانی می تواند باهم روابط دیپلماتیک برقرار کند که در آن خصوص توافق نموده باشند . زیرا فرض بر این است که اکثریت دولتها واحد های مستقل و شناخته شده اند و هم در سیستم حقوق بین الملل موجود دارای حقوق و تکالیف مساوی و مشابه هستند و علی الاصول این دولت که شخصیت حقوق بین المللی دارند صلاحیت تام و کامل در برقراری یا قطع و یا تغییر روابط بین المللی خود با واحد های مستقل دیگر دارد. مگر آنچه که به موجب قواعد و مقررات حقوق بین الملل یا عهد نامه ها ممنوع شده باشد.

از سوی دیگر آنچه که در برقراری روابط دیپلماتیک میان دو کشور مورد توجه است این است که روابط فقط بین دولت‌هایی می‌تواند برقرار شود که شرایط حقوقی لازم را داشته باشد و در مورد روابط دیپلماتیک این شرایط محدود به شناخت رسمی هر دو دولت و توافق بین آنها و احراز وجود رابطه با اعزام نماینده از طرف نزد طرف دیگر یا متقابلاً از سوی هر دو طرف است.

از این رو شرایط برقراری روابط دیپلماتیک را می توان اینگونه بیان کرد :

۱ - دو طرف رابط دیپلماتیک دولت باشد .

۲ - دو طرف رابطه موجودیت و هویت یکدیگر را به رسمیت شناخته باشد .

۳ - برای برقراری چنین رابطه ای توافق کرده باشد .

۱ - دو طرف رابط دیپلماتیک دولت باشد .

به استثنای عهدنامه وین ۱۸۱۵ که مربوط به طبقه و ردیف ماموران دیپلماتیک است و در آن ذکری از دولت نشده حقوق بین الملل جدید و عهدنامه های بعد از ۱۸۱۵ همه دولت ها را طرف روابط دیپلماتیک قید کرده اند و حقوق بین الملل سنتی نیز عملاً این روابط را بین دولت ها به رسمیت می شناخت از این رو می توان نتیجه گرفت که واحد های سیاسی و ملی که صفت دولت بر آنها اطلاق نشود نمی توانند طرف رابطه دیپلماتیک باشند

۲ - دوطرف رابطه موجودیت و هویت یکدیگر را به رسمیت شناخته باشد .

در جامعه بین الملل وقتی دولتی به وجود می آید نمی تواند خود به خود از حقوق دیپلماتیک و روابط دیپلماتیک با دیگر دولت ها برخوردار شود مگر آنکه قبلا دولت های دیگر موجودیت آن را به رسمیت بشناسد و شناسایی یک دولت جدید برای سایر دولت ها یک وظیفه نیست و عملا نمی توان دولت ها را مجبور به تقاضای شناسایی و یا قبول آن کرد . البته باید گفت که برای دولت تازه تاسیس شده عملا شناسایی سایر دولت ها بسیار لازم و این لزوم ناشی از احتیاج است زیرا هیچ دولتی نمی تواند در انزوا زیست کند و از ارتباط با سایر دول کاملاً بی نیاز باشد. به همین جهت همیشه دولت های تازه تاسیس نیازمند شناسایی از طرف دول دیگر هستند و اولین قدم آنها در زمینه بین المللی این است که هرچه زود تر از طرف هرچه بیشتر دولت های دیگر شناخته شود.

بنا بر این شناسایی پس از موجودیت یافتن دولت شرط اساسی برقراری روابط دیپلماتیک است و شناسایی بدین مفهوم است که دولت های دیگر وجود یک دولت را که تازه تاسیس شده یا تغییر رژیم یافته به رسمیت بشناسد. ذکر این نکته نیز ضروری است که شناسایی به هر شکلی که باشد اعلام وجود دولت جدید را می کند نه اینکه صفت دولت بودن را بدهد به عبارت دیگر شناسایی از جهت حقوقی چیزی به دولتی که تشکیل شده و تاسیس یافته نمی دهد و اگر هیئتی ادعای ایجاد دولت جدیدی بکند ولی یکی از عوامل تشکیل دهنده آن را نداشته باشد شناسایی یک یا چند دولت دیگر آن را تکمیل نمی کند .

شناسایی به هر شکلی که باشد بین دولت شناخته شده و دولت شناسایی کننده ایجاد رابطه ای میکند که بخودی خود آثاری دارد مثل اعتبار بخشیدن به پاسپورت اتباع طرف دیگر بدون اینکه الزاما نمایندگی دیپلماتیک نزد هم بفرستند. که این در مورد دولتی است که تازه تاسیس شده ولی در مورد دولت هایی که قبلا وجود داشته و شناخته شده بودند ولی به علت تغییر رژیم باید از طرف دولت دیگر شناخته شوند تا مجددا روابط داشته باشند شناسایی تغییر عملی در وضع بین آنها ایجاد نمی کند و از سوی دیگر باید گفت که شناسایی فقط بین دولت شناسایی کننده و دولت شناخته شده رابطه ایجاد میکند و نه دولت های دیگر.

۳- برای برقراری چنین رابطه‌ای توافق کرده باشند.

پس از شناسایی دولت‌ها دولت جدید حق تاسیس نمایندگی دیپلماتیک نزد دولت دیگر و قبول نمایندگی یک دولت دیگر را در کشور خود دارا می‌شود. ولی سؤال این است که آیا این حق وظیفه‌ای را ایجاد می‌کند؟ یعنی دو دولت پس از اینکه باهم به وسیله شناسایی رابطه پیدا کردند ملزم هستند که نزد هم نمایندگی دیپلماتیک تاسیس کنند و یا نمایندگی دیپلماتیک دولت دیگر را بپذیرند؟ و یا استفاده از این حق اختیاری است؟

در پاسخ باید گفت که عدم الزام دولت جدید به قبول نمایندگی دیپلماتیک دولتهایی که آن را شناخته‌اند منطقی است زیرا اصولاً شناسایی و تاسیس نمایندگی دو امر کاملاً متمایزاند و آثار و نتایج شناسایی حتماً وابسته به تاسیس نمایندگی نیست.

امروزه بسیاری از دول یکدیگر را به رسمیت شناخته اند ولی نزد هم نمایندگی دیپلماتیک ندارند و از این حیث به روابط آنها خلل وارد نمی شود.

اما اینجا سئوالی ممکن اس پیش آید و آن این است که آیا الزامی از سوی دولت دیگر به پذیرش نمایندگی دیپلماتیک دولت جدید و تازه شناخته شده وجود دارد یا خیر؟

در این زمینه مباحث و نظریات فراوانی از سوی حقوقدانان ابراز گردید تا اینکه در نهایت ماده (۲) عهدنامه سال ۱۹۶۱ وین چنین مقرر داشت که :

برقراری روابط دیپلماتیک بین دولت ها و اعزام نمایندگی دیپلماتیک با رضایت و توافق متقابل است .

منابع حقوق دیپلماتیک :

در تمامی رشته های حقوقی، یکی از مهمترین مباحث بررسی منابع در آن، گرایش حقوقی می باشد و ترکیب اولویت و اهمیت منابع یکی از اساسی ترین موضوعات مطرح بوده است و در حقوق دیپلماتیک این منابع را به ترتیب اولویت میتوان براین اساس طبقه بندی کرد:

۱. عرف و رسوم
۲. عهدنامه ها
۳. قوانین داخلی
۴. رویه قضایی و آرای دانشمندان حقوقی

۱- عرف و رسوم:

عبارت از رویه هائی است که در طول زمان در موارد مشابه ملاک عمل بوده است، و میتوان گفت که بر اثر تکرار به عنوان یک اصل پذیرفته شده که احساس نوعی الزام اجرائی ایجاد می کند.

مشخص ترین قاعده حقوقی مدون ولی ملهم از رسوم دیرین اصل مصونیت دیپلماتیک بوده است.

۲ - عهد نامه ها :

در حقوق بین الملل عمومی عهدنامه ها در حکم قانون هستند که امضاً کنندگان را ملزم به اجرا میکند، اگر امضاً کنندگان عهدنامه دو و یا چند دولت محدود باشند تعهد های مندرج در قرار داد فقط شامل همان دولت ها خواهند بود و اگر عهدنامه مذکور طیف وسیع از دولت ها را دربر بگیرد و برای ورود اعضای جدید نیز مفتوح باشد میتواند این عهد نامه بصورت قاعده آمره بین المللی قبول شود. ازسوی دیگر در عهدنامه های دوجانبه یا چند جانبه حقوق و تکالیف معمولاً متقابل هستند و کلیه امضاً کنندگان در آن متساوی یا شریک می باشند.

اما درخصوص حقوق دیپلماتیک اولین عهدنامه چند جانبه که قواعد دیپلماتیک را از رسوم معمول و عرف اتخاذ کرد . قدیمی ترین و اولین عهدنامه دیپلماتیک (۱۸۱۵) وین و امروز مهمترین عهدنامه که در خصوص حقوق دیپلماتیک وجود دارد عهدنامه (۱۹۶۱) می باشد.

۳ - قوانین داخلی :

از آنجاییکه برخی از موضوعات مربوط به حقوق دیپلماتیک در حوزه حاکمیت دولت ها قرار دارد و امکان دخالت حقوق بین الملل در آن حوزه نیست ناچاراً باید این بخش از حقوق دیپلماتیک بوسیله قوانین داخلی قانونمند گردد تا الزام دولت مذکور در آن خصوص شکل بگیرد (بعنوان مثال دولت ها دارای اختیارات کامل در خصوص وضع معافیت های حقوق گمرکی و مالیاتی و همچنین اعطای امتیازات و مصونیت ها به اشخاص می باشد) اما باید گفت هرچند دولت ها آزادی کامل در خصوص وضع قواعد و مقررات در این حوزه را دارند اما رفتار آنها تحت تاثیر عرف می باشد زیرا عمل متقابل بعنوان یک ضمانت اجرای قوی باعث ایجاد یک رویه کلی و عمومی در رفتار دولت ها گردیده است و تخلف از قاعده و رویه پذیرفته شده موجب خواهد گردید که در خصوص دولت متخلف همان اقدام و رویه در پیش گرفته شود.

۴ - رویه قضایی و آرای دانشمندان حقوقی :

در حقوق دیپلماتیک مانند سایر رشته های حقوق رویه قضایی و عقاید علمای حقوق از منابع حقوقی به شمار میرود و در خصوص حقوق دیپلماتیک منظور از رویه قضایی رویه های است که حاصل آرای دیوان بین المللی دادگستری و دیوان لایحه بوده است و ذکر این نکته نیز ضروری است که بدلیل عدم تمایل دولت ها در مراجعه به دیوان لایحه در اختلافات مربوط به روابط دیپلماتیک بطور طبیعی رویه قضایی در این مسایل بسیار کم است، علاوه بر این عقاید و آرای حقوقدانان معروف نیز در تکوین و تکامل این رشته حقوقی به نوبه خود بسیار تأثیر گذار بوده است.

((فصل سوم))

* ارکان روابط دیپلماتیک

ارکان روابط دیپلماتیک

ب - مامورین دیپلماتیک

الف - نمایندگان دولت

اعضاء و کارمندان
دیپلماتیک

رؤسای ماموریت

رئیس دولت

وزیر امور
خارجہ

۱- سفیر

۲- فرستاده یا وزیر مختار

۳- کاردار

وزیر مختار - رایزن - دیپ
اول - دیپ دوم - دیپ سوم
- وابستگان

مستخدمین جزء

کارمندان اداری

دکتر، مهندس، ...

رئیس دولت :

رئیس دولت یا رئیس کشور اولین و عالیترین شخصی است که در جامعه بین الملل معرف و نماینده یک دولت شناخته می شود و مهم نیست که رئیس دولت پادشاه باشد و یا غیر آن و هم چنین اهمیتی ندارد که مقام او موروثی باشد یا بر اساس انتخابات بدست آمده باشد و تنها کافی است که او طبق قانون اساسی یا عملاً در سمت ریاست دولت قرار گرفته و به این عنوان از طرف دولت های دیگر شناخته شده باشد .

ماموران دیپلماتیک :

۱- رئیس ماموریت :

رؤسای مامورت از حیث اهمیت مقام به ترتیب در یکی از طبقات زیر قرار میگیرند.

طبقه اول: سفیر که بالاترین درجه و مقام ماموریت دیپلماتیک است.

طبقه دوم: فرستاده یا وزیر مختار

طبقه سوم: کاردار

طبقه اول و دوم نزد رئیس کشور پذیرنده مامورند و طبقه سوم نزد وزارت امور خارجه کشور پذیرنده.

سفیر و وزیر مختار:

سفیر و در درجه پائین تر وزیر مختار به عنوان رئیس ماموریت به ترتیب بالاترین مقام دیپلماتیک هستند و در گذشته کشور های بزرگ نزد یکدیگر سفیر ولی نزد کشورهای کوچک یا کم اهمیت وزیر مختار می فرستادند . **تفاوت این دو از این جهت است که :** با وجود تساوی حقوق دولت ها و تساوی مزایای رؤسای ماموریت های دیپلماتیک مابین این دو ولی از نظر تشریفات و تقدم و تاخر یا برخی احترامات دیگر در یک ردیف نیستند. ولی باید گفت که امروز از وزیر مختار مستقل جز عنوان چیزی نمانده و یک درجه دیپلماتیک است که در بعضی موارد به نفر دوم بعد از سفیر در یک سفارت خانه میدهند. خواه به ملاحظه درجه و مقام شخص اشغال کننده آن مقام در کشور خود و خواه بدلیل اهمیت خاصی که به یکی از وظایف سفارت در آن کشور داده می شود. بدین جهت ممکن است گاهی در یک سفارت بعد از سفیر یک یا دو وزیر مختار برای اداره بعضی فعالیت های مهم دیپلماتیک مامور گردند.

تشریفات شکل گیری دو اعزام نماینده دیپلماسی و رئیس ماموریت عبارت است از

الف : پذیرش

پذیرش یعنی موافقت کشور پذیرنده با ماموریت سفیر و نماینده سیاسی کشور اعزام کننده .

ب : استوار نامه

استوار نامه معرفی نامه رئیس ماموریت دیپلماتیک است که توسط رئیس دولت اعزام کننده خطاب به رئیس کشور پذیرنده نوشته می شود .

کاردار :

یک کاردار اصولاً موقتی است و در موقعی است که رئیس ماموریت (سفیر یا وزیر مختار) به جهاتی در محل ماموریت خود نباشد. این دلیل ممکن است مرخصی یا مراجعت سفیر به کشور خود برای مشاوره با وزارت امور خارجه کشور خود یا دادن گزارش و یا در فاصله زمان بین عزیمت رئیس ماموری که احضار شده و ورود رئیس ماموریت جدید باشد. در این مواقع رئیس ماموریتی که به هریک از دلایل فوق محل ماموریت خود را ترک میکند باید یکی از اعضای دیپلمات سفارت را به سمت کاردار که اداره امور دیپلماتیک سفارت به عهده او خواهد بود به وزارت امور خارجه کشور پذیرنده معرفی کند. کاردار از زمان تصدی تا موقعیکه رئیس ماموریت مراجعت کند یا سفیر جدید وارد شود رئیس ماموریت تلقی می گردد و از کلیه مصونیت ها و مزایای رئیس ماموریت بعد از وزاری مختار قرار میگیرد.

ذکر این نکته نیز ضروری است که دولت هایی که نزد دولت دیگر نمایندگی دیپلماتیک دارند آن ماموریت را برای مدت طولانی بدون رئیس نمی گذارند. زیرا این ترتیب خلاف نزاکت و مغایر روابط دوستی دو کشور تلقی میشود مگر آنکه ضروریات موجه موجود باشد. اما گاه اتفاق می افتد که بین دو کشور کدورتی حاصل میشود که یکی از دو طرف برای اعتراض یا نمایاندن رنجش خود سفیر خود را احضار می کند و سفارت خود را با کاردار برای مدت طولانی و تا موقعیکه رفع کدورت نشده باقی میگذارد. در این قبیل موارد غالباً دولت طرف مقابل سفیر خود را احضار و ریاست نمایندگی را به کاردار می سپارد اما باید گفت این عمل متقابل اختیاری است.

وابستگان :

عنوان وابسته به تنهایی برای پایین ترین مقام دیپلماتیک در ماموریت دیپلماتیک است ولی غالباً برای انجام ماموریت های خارج از امور دیپلماتیک ساده نیز عنوان وابسته داده میشود و در این صورت وظایف آنها بعد از عنوان وابسته باید ذکر گردد. مانند وابسته نظامی ، وابسته بازرگانی ، وابسته فرهنگی و ... از سوی دیگر دادن عنوان دیپلماتیک به این ماموران که دائمی هستند ولی احتمالاً مامور وزارت های دیگر غیر از وزارت خارجه میباشد به این مقصود است که در زمره اعضای دیپلماتیک محسوب و از مزایا و مصونیت های دیپلماتیک استفاده کند است.

کارمندان اداری و خدمه ماموریت دیپلماتیک :

کارمندان اداری کلیه کسانی هستند که در یک ماموریت دیپلماتیک یعنی سفارت خانه به امور دفتری سفارت اشتغال دارد مثل سکرتر تایپیست ، حسابدار و امثالهم به این طبقه کارمند اداری یا دفتری گفته میشود. موتروان سفارت ، نامه رسان، دربان و امثال اینها نیز خدمه ماموریت دیپلماتیک هستند و هم چنین خدمت کارهایی که در خدمت شخصی مامور دیپلماتیک میباشد.

ذکر این طبقه نیز از آن جهت است که گاه ماموران دیپلماتیک بعضی از خدمات خود را به اتباع کشور خود میدهند، مانند آشپز و فقط به این شرط یعنی تبعه دولت فرستنده بودن ممکن است به آنها امتیازاتی هر چند جزئی داده شود.

تعیین اعضای ماموریت دیپلماتیک:

برخلاف رئیس ماموریت (سفیر یا وزیر مختار یا کاردار) که باید موافقت دولت پذیرنده در باره او قبلا گرفته شده باشد، دولت فرستنده در تعیین و اعزام سایر اعضای ماموریت آزادی کامل دارند ولی این اصل که در عهد نامه ۱۹۶۱ وین تصریح شد زمانهای طولانی مورد تردید عده بسیاری بوده است. دلیل این مشکل این بود که اگرچه اختیار دول در تعیین ماموران خود مسلم است ولی این ماموران در قلمرو یک دولت دیگر فعالیت دارد و منطقی نیست که دولت پذیرنده در مورد صلاحیت آنها از نظر اهمیت خود هیچگونه حق اظهار نظر نداشته و فقط شاهد باشد. از طرف دیگر حقوقدانهای بسیاری با وجود قبول این نظر آنها عملا غیر ممکن و غیر لازم میدانستند.

به اعتقاد اینان دولت پذیرنده نمیتواند راجع به عده ای از اعضای ماموریت که نه در کشور خود از اشخاص شناخته شده سیاسی و دیپلماتیک هستند و نه در کشور پذیرنده میتواند مستقلا و بدون تصویب رئیس ماموریت انجام وظیفه کند اظهار نظر نماید. و فقط بعد از ورود و تصدی کار در ماموریت است که دولت پذیرنده میتواند از نحوه فعالیت آنها اطلاع صحیح داشته باشد و به فرض اینکه فعالیت عضو تازه وارد شده از جهاتی برای دولت پذیرنده نا مطلوب باشد دولت مذکور میتواند هر وقت که لازم باشد آن عضو را شخص نامطلوب تلقی و خروج او را بخواهد و یا هم وی را اخراج نماید. به عقیده اینان با وجود این اختیار دیگر برای دولت پذیرنده اظهار نظر قبلی در مورد عضو ماموریت جدید زاید است. عهد نامه ۱۹۶۱ نیز نظر گروه دوم را قبول کرده و موافقت قبلی دولت پذیرنده را فقط در صورتی لازم دانسته که عضو معین شده زمانی بطور خصوصی مقیم کشور پذیرنده و یا هم از اتباع دولت ثالث باشد.

((فصل چهارم))

- * ویژگیها و خصوصیات دیپلماتها
- * مصونیت دیپلماتیک و انواع آن
- * نظریه ها
- * مزایای دیپلماتها
- * خاتمه مأموریت دیپلماتیک

ویژگی ها و خصوصیات دیپلمات ها :

۱. دیپلمات باید دارای الف: علم و ب: هنر (منظور از هنر بتواند بخوبی از ظرفیت هائی که در خودش هست استفاده کند و آن ها را در ماموریت هایش بکار گیرد) باشد و این دو را بتواند تلفیق نموده و بکار گیرد.
۲. دانستن زبان بین المللی و دانستن زبان محل ماموریت .
۳. داشتن اطلاعات عمومی از کشور خود و کشور محل ماموریت و روابط بین ملت ها .
۴. حفظ اسرار دولتی .
۵. کنجکاوی (یک دیپلمات باید کنجکاو باشد و به دنبال کسب اخبار و اطلاعات باشد)
۶. کسب اطلاعات و مطلع نمودن دولت مطبوع .
۷. علاقه به کشور محل ماموریت .
۸. رعایت آداب و رسوم و قوانین محل ماموریت .
۹. عدم اظهار نظر و انتقاد از کشور محل ماموریت .
۱۰. رعایت نزاکت دیپلماتیک که جنبه بین المللی دارد .
۱۱. وقت شناسی .
۱۲. بذله گوئی و شوخ طبعی .
۱۳. داشتن صداقت در ارسال گزارش ها، اظهار نظرها .
۱۴. کنترل احساسات و خویشتن داری .

دیپلماسی رموزی دارد و دیپلمات خوب کسی است که آن رموز را می شناسد ، به این جهت مشکل می توان صفات لازم دیپلمات خوب را مشخص کرد و این تشخیص را معمولا از نتیجه و آثار کار دیپلمات می دهند. با وجود این بعضی دیپلمات های مبرز سعی کرده اند صفاتی را که یک دیپلمات قابل باید داشته باشد تا در کار خود موفق باشد بیان کنند. شاید فرانسوا دوکالیر مشاور عالی لوئی ۱۴ بهتر از همه از عهده این کار بر آمده باشد . کتابی که او زیر عنوان ((طریقه مذاکره و گفتگو با سلاطین)) در ۱۷۱۶ منتشر کرد بزودی معروف شد و هنوز هم برای کسانی که در پی یافتن راهنمای مفیدی در این حرفه باشند اعتبار خود را از دست ندادند .

هارولد نیکولسون از کتاب کالیر این قسمت را به تفصیل نقل کرده که در این جا به صورت زیر خلاصه می شود:

رفتار دیپلمات باید آشکار و گفتار اوساده و صریح باشد مگر در آنچه که لازم می داند مخفی بماند. در مذاکره هرگز نباید وعده ای بدهد که خود به اجرای آن اطمینان ندارد و به قلب نیز نباید متوسل شود زیرا قلب نشانه پستی است. دروغ و حيله هر چند موفقیت آمیز باشد همیشه اثر مسموم کننده باقی میگذارد و تنفر طرف دیگر را برمی انگیزد و ناچار اثر آن متزلزل است. رمز موفقیت در مذاکرات هم آهنگ ساختن علایق دو طرف است با صداقت . تزویر و نیرنگ . تهدید همیشه آزار زیان آوردارد زیرا موفقیت در آن موجب غرور میشود و کم کم به زیاده روی در لاف زدن و تظاهر به قدرتی می رسد که واقعی نیست و ناچار دیر یا زود تو خالی بودن آن معلوم میشود و زیان های غیر قابل جبران پدید می آورد .

دیپلمات خوب باید کنجکاو و قادر به درک افکار دیگران باشد. باید به زبانی که با طرف خود صحبت می کند کاملاً مسلط باشد و در محاوره پیش از آنکه به مقصود خود فکر کند از فکر طرف آگاه گردد سخن او باید صریح، هوشمندانه و بانزاکت باشد. از شوخی ها و ظریف گویی های بی موقع و تعارفات زاید باید پرهیزد. دیپلمات باید در بیان مطلب دلیر و در عین حال ملایم و صبور باشد. مرد ترسو و مردد و یا تندخو و بی حوصله هیچ مذاکره ای را نمی تواند به موفقیت برساند. خویشتن داری و گشاده رویی در مقابل گستاخی دیگران از لوازم موفقیت است. به زنان باید توجه نشان دهد ولی هرگز دلباخته نشود و از اعتیاد به الکل و قمار باید پرهیزد. همیشه آرام و سلیم و در پذیرایی سخاوتمند باشد. بی استعدادی در یک دیپلمات بزرگترین عامل مخرب سیاست دولتی است که چنان دیپلمات را برگزیند. سلطان قادر است کلیه وسایل موفقیت را در اختیار یک دیپلمات بگذارد اما هرگز قادر نیست هوش و استعداد به کسی بدهد که آن را ندارد. به این جهت انتخاب دیپلمات باید با توجه به ارزش های او باشد

مصونیت و مزایای دیپلماتیک :

موضوع مصونیت و مزایای دیپلماتیک یکی از مباحث مهم حقوق بین الملل عمومی است که به قسمت حقوق دیپلماتیک اختصاص دارد. هرچند از حیث عنوان مصونیت ها و مزایا همیشه در یک فصل با هم هستند ولی از حیث طبیعت حقوقی کاملا متفاوت است . مصونیت به طور کلی بدین معنی است که دارنده آن از تعقیب قانون و ماموران دولت در امان است و یا به عبارت دیگر قانون و ماموران مجری آن نمی توانند شخص دارنده آن را تعقیب کنند و مقصود از مزایا آن است که امتیازاتی به کسی داده شود که سایر مردم حق استفاده از آن را ندارند.

در حقوق بین الملل عمومی دیپلمات ها شخصا و نیز محل سکونت و کار آنها از تعقیب و تعرض ماموران دولتی که نزد آن ماموریت دارند مصون هستند. اما این مصونیت ها به موجب رسوم و عرف بین المللی بر قرار شده نه به موجب قوانین کشوری .

تاریخ روابط دیپلماتیک نشان می‌دهد که دولت‌ها بطور کلی نسبت به قبول این مصونیت درباره دیپلمات‌های خارجی هیچ وقت تمایلی قلبی نداشته‌اند ولی باوجود این عملاً آنرا در تمام جنبه‌هایش پذیرفته و رعایت کرده‌اند. زیرا که خود هم متقابلاً سود برده‌اند. در نتیجه و با توجه به مطالب گفته شده ممکن است این سؤال پیش آید که **منطق مصونیت‌های دیپلماتیک از کجا است؟** در واقع اهمیت موضوع و تفاوت‌نظرها در این است که این مصونیت بوسعتی که معمول شده مخالف مسلم حقوقی و اصل حاکمیت کشورهاست زیرا بنا به اصل کلی حاکمیت دولت شامل هر کس و هر چیزی می‌شود که در سر زمین آن واقع است و قوانین آن دولت در داخل مرزهای آن به همه کس و همه چیز اجرا می‌شود مگر در مواردی که قانون مستثنی کرده باشد.

نظریه ها :

حقوقدانان و نویسندگان حقوقی در پی یافتن یک مبنای حقوقی بودند که فلسفه وجودی این مصونیت ها را توجیه کند و از اینرو به ارایه چهار نظر در این خصوص پرداخته اند :

۱- نظریه نمایندگی

۲- نظریه برون مرزی

۳- نظریه مصلحت خدمت

۴- نظریه رفتار متقابل

۱- نظریه نمایندگی :

بر اساس این نظریه از آنجاییکه سفیر به عنوان نماینده رئیس دولت و مردم خویش در نزد دولت پذیرنده به ایفای مأموریت می پردازد و در واقع از سوی رئیس دولت و مردم جامعه خود مأموریت دارد، وی نمایان گر شخصیت دولت خویش است از اینرو وی میبایست دارای مصونیت هایی از سوی دولت پذیرنده به منظور پیشبرد اهداف دولت و مردم خود باشد.

۲ - نظریه برون مرزی :

بنا به این نظریه دیپلمات به موجب یک فرضیه خارج از قلمرو و قدرت قانونی کشور محل مأموریت خود است و مثل این است که هرگز از کشور خود خارج نشده باشد. بعد از این فرضیه در مورد شخص سفیر یک نظریه کلی ساخته اند که بنا بر آن منزل و محل کار سفیر هم قطعه ای از خاک کشور او تلقی می شود و خارج از قدرت قانونی کشور محل مأموریت او است. مبتکر این نظریه هوگو گروسیوس حقوقدان معروف پولندی در قرن هفدهم است. که در کتاب خود می نویسد به موجب حقوق بین المللی تجلی شخص رئیس کشور در شخص سفیر یک فرضیه است . و با فرضیه مشابه مثل این است که سفیر خارج از خاک دولتیست که نزد آن انجام وظیفه میکند. و نتیجه آن این است که سفیر مکلف نیست قوانین کشوری را که در آنجا مأمور است اطاعت کند. این نظریه خود مبنای حقوقی برخی رویه های حقوق بین الملل سنتی قرار گرفته، مانند تبعیت کشتی های دولتی و جنگی از قوانین کشور خود شان در وسعت دریا و سواحل دیگر یا اجرای قوانین کشوری که کشتی پرچم آن را دارد. در باره اشخاص و وقایع داخل کشتی هم در موقع سفر دریایی.

اما ایراداتی بر این نظریه وارد است از جمله اینکه :

الف: جرایمی که در منزل سفیر یا محل کار او اتفاق می افتد اگر تابع قانون دولت متبوع سفیر باشد ناچار خود سفیر باید قاضی و مجری قوانین کشور خود باشد.

ب: اگر متهمی به خانه یا محل کار سفیر پناهنده شود رد کردن مجرم به مقامات دولت متبوع او باید مشروط به انجام تشریفات استرداد باشد.

ج: اطفالی که از پدر و مادر تبعه کشور پذیرنده (مانند شخص مستخدمین محلی) در محل کار یا خانه سفیر متولد شوند ناچارند باید تابعیت دولت سفیر را کسب نمایند.

د: مصونیت شخص دیپلمات در خارج از خانه و محل کار دیگر با اصل برون مرزی تطبیق پیدا نمی کند

۳ - نظریه مصلحت خدمت :

واتل دیپلمات سویسی در قرن ۱۸ می نویسد " اگر سفیر در خارج از سرزمین محل خدمت خود فرض شود بدین معنی است که استقلال و کلیه حقوقی را داراست که برای پیش رفت کار و موثر است بنا بر این آزادی و فارغ بودن او از تعقیب قانون محل خدمت برای مصلحت و ضرورت پیشرفت کار اوست "

این نظریه بطور صریح در مقدمه عهد نامه وین سال ۱۹۶۱ نیز آمده است " با اطمینان به اینکه مصونیت ها و مزایا برادی دادن امتیاز به اشخاص نیست بلکه به منظور انجام وظایف ماموریت های دیپلماتیک بطور موثر بعنوان نمایندگان دولت است ". از این نظر میتوان گفت که چون هر دو دولت طرف رابطه دیپلماتیک علاقه مند به حفظ و توسعه روابط دوستانه خود هستند مصونیت سفرای آنها به نفع هر دو طرف رابطه است. نظریه مصلحت با واقعیت تطبیق دارد و مصونیت شخص دیپلمات را در خارج از خانه و محل کار که با اصل برون مرزی مغایرت پیدا میکرد توجیه میکند و با منطق درست خانواده سفیر را هم شامل میشود

۴ - نظریه رفتار متقابل :

در خصوص این نظریه در ابتدا باید گفت که از سوی نویسندگان اجماع و اتفاق نظر کامل در خصوص اینکه این اصل را بتوان یک نظریه دانست وجود ندارد. همانطور یکبار از مفهوم رفتار متقابل درک میشود تاکید اصلی این نظریه این است که اعطای مصونیت‌ها و مزایا در واقع نتیجه عمل دولت متقابل دو دولت نسبت به دیپلمات‌ها و نمایندگان یکدیگر در خاک کشور خود میباشد که بطور سنتی و ضمنی در حقوق بین‌الملل مابین دول از زمان‌های گذشته مرسوم بوده است .

انواع مصونیت دیپلماتیک :

در عهد نامه ۱۹۶۱ وین مواد ۲۹ ، ۳۰ و ۳۱ سه نوع مصونیت را ذکر کرده اند :

۱- مصونیت شخصی دیپلمات شامل دو جنبه عدم تعرض به مامورین دیپلماتیک و دوم لزوم حفظ و حمایت آنان ((ماده ۲۹))

۲- مصونیت اقامتگاه ، اسناد، مکاتبات و اموال ((ماده ۳۰))

۳- مصونیت قضایی که شامل مصونیت های جزایی ، مدنی ، اداری ، اجرایی و عدم اجبار به شهادت است . ((ماده ۳۱))

۱ - مصونیت شخصی :

* مصونیت از تعرض و لزوم حفظ و حمایت آنان :

در حقوق بین الملل این مصونیت به معنای غیر قابل نقض بوده حرمت و حقوق یک محل یا یک شخص است. حرمت محل به معنای عدم دخول بی اجازه در آن و حرمت شخص عدم نقض آزادی و حقوق اوست. اما این حرمت ها منحصر به محل سفارت یا شخص دیپلمات نیست بلکه در هر رژیم دمکراتیک هر کس و مسکن او اصولا از این حرمت به موجب قوانین اساسی برخوردار است. تفاوتی که حرمت عمومی مسکن مردم و شخص آنها را از حرمت محل سفارت و دیپلمات از هم متمایز میکند این است که حرمت خصوصی مساکن و اشخاص میتواند در موارد خاص قانونا سلب شود در حالیکه حرمت محل سفارت و شخص دیپلمات و خانه او غیر قابل نقض است و هیچ قانون داخلی نمی تواند خلاف آن مقرر کند .

مصونیت از تعرض شامل :

۱- مصونیت محل کار دیپلمات :

این مصونیت را میتوان از دو جنبه مورد توجه قرار داد . یک جنبه ای که دولت پذیرنده را متعهد می کند ماموران خود را از هر گونه تجاوز به محل سفارت و منزل سفیر بگرداند و یک جنبه دیگر که دولت پذیرنده را مجبور می نماید محل کار و سکونت شخصی دیپلمات را هم از نظر حقوقی و هم از نظر مادی از تجاوز افراد عادی حفظ نماید

۲- مصونیت شخص دیپلمات :

مامور دیپلماتیک شخصا مصون از تعرض (باز داشت) است و طبق ماده "۲۹" عهد نامه وین دولت پذیرنده مکلف به رعایت احترام او و اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از تجاوز به او و به آزادی و حیثیت اوست

۳- مصونیت خانواده دیپلمات :

مصونیت ماموران دیپلماتیک طبق سنت قدیم و حقوق جدید شامل خانواده آنها نیز می باشد

دوم : مصونیت نوشته ها، اسناد و اموال دیپلماتیک :

مصونیت نوشته و اسناد رسمی و غیر رسمی دولت فرستنده که از خارج به ماموریت های دیپلماتیک می رسد یا به خارج ارسال میشود از قدیم بوده و اصولا کلیه اقداماتی را که در روابط خود با دولت های دیگر می کنند لازم می داند. بدون این مصونیت ارتباط دولت ها با ماموران خود در کشور های خارج مختل می شود. و این اختلال ممکن است منجر به نتایج بسیار زیان بخش در روابط بین الملل گردد. از این رو ضروری بوده که مکاتبات سفارت با دولت فرستنده مصون از تفتیش باشد. در قدیم برای تامین این مصونیت نامه ها و اسناد را با یک پیک مخصوص می فرستادند و او نیز مانند خود دیپلمات تازمانیکه حامل پست سفارت بود مصون از تعقیب و بازداشت بود. این رسم تاکنون ادامه یافته و هنوز هم بعضی از دولت ها در ارتباط با سفارت های خود از پیک مخصوص استفاده می کنند که در اصطلاح به آن پیک دیپلماتیک گفته میشود. و ماده "۲۷" عهدنامه وین ۱۹۶۱ نیز مصونیت او را تصریح کرده است. به موجب ماده فوق دولت پذیرنده مکلف است ارتباط آزاد و بدون مانع ماموریت دیپلماتیک را تامین کند.

این ارتباط معمولاً بین سفارت و وزارت امور خارجه دولت فرستنده است ولی هر سفارت با سفارت های دیگر کشور خود نزد دولت های دیگر هم ممکن است ارتباط داشته باشد. سفارت از هر وسیله ارتباطی که ممکن باشد می تواند استفاده کند مانند : پیک دیپلماتیک، هوا پیمای مخصوص، تلفن، تلگراف، فکس و امثالهم...

در کنار این ذکر این نکته نیز ضروری است که شاید چنین تصور شود که چون مصونیت پیک برای رساندن پست دیپلماتیک به مقصد است میتوان از آن این مفهوم مخالف را استنباط کرد که وقتی پیک محموله خود را رساند مصونیت او منتفی است. اما این استنباط صحیح نمی باشد. زیرا امکان دارد پیک حامل پیام های شفاهی هم باشد. از این رو مصونیت وی در هر حال ضامن امکان انجام ماموریت های بعدی اوست. به این دلیل مصونیت شخص پیک از مصونیت اسنادی که همراه دارد جدا است و برای این منظور پیک دارای حکم مخصوصی است که از طرف کلیه کشور های دوست مصون است اعم از اینکه حامل اسناد باشد یا نباشد و تنها اینکه در حکم وی ماموریت مشخص شده باشد کفایت

مصونیت قضایی :

نوع دیگر مصونیت ، قضایی است و مقصود از آن این است که ماموران دیپلماتیک ، برخلاف مردم و اتباع خارجی دیگر از حیطة قدرت اجرای قانون کشور پذیرنده خارج هستند و شامل

۱ - مصونیت مامور دیپلماتیک از تعقیب قضایی و اجرای احکام

اعمالی که دیپلمات به مناسبت سمت خود انجام می دهد یا رسماً به نام دولت متبوع خود است و یا مربوط به نظام حقوقی کشور وی میشود. در هر دو مورد دادگاههای محلی صلاحیت رسیدگی ندارند. ولی در کنار این گونه اعمال مامور دیپلماتیک کارهایی نیز برای شخص خود انجام می دهد که در مورد هر کدام باید حدود مصونیت از تعقیب و اجرای احکام را توجه کرد .

۲- مصونیت جزایی .

مصونیت دیپلمات مطلق است و هیچ یک از مقامات پلیس و قضایی نمیتواند وی را مورد مواخذه و تعقیب قرار دهد. هرچند عدم امکان تعقیب دیپلمات بخاطر جرم و جنایاتی که احیاناً مرتکب شود آزار دهنده است ، خلاف آن هم مغایر اصل کلی آزادی دیپلمات در انجام وظایف رسمی وی میباشد. به این جهت مصونیت شامل کلیه جرم های ارتكابی دیپلمات از هرنوع مواخذه پلیس، جلب، اخذ جریمه و ابلاغ اخطار میباشد. در این موارد، مقامات پلیس یا قضایی می توانند موضوع را به وزارت امور خارجه اطلاع دهند که به سفیر ابلاغ شود و اقدام مقتضی را برای جلوگیری از تکرار آن عمل انجام دهد و یا اگر جرم شدید است دیپلمات متهم را به کشور وی روان کند

۳ - مصونیت مدنی :

ماموران دیپلماتیک در زندگی عادی به اعمال حقوق خصوصی نیز اقدام میکنند که ممکن است مسئولیت آنها را پیش آورد ولی برخلاف مصونیت جزایی که مورد قبول عمومی است، مصونیت مدنی مخالفین جدی دارد. مثلا در ایتالیا قایل به تشخیص بین اعمالی اند که دیپلمات در اجرای ماموریت خود میکند و اعمالی که برای شخص خود انجام میدهد. نوع اول دارای مصونیت قضایی و نوع دوم فاقد مصونیت است. ولی رویه قضایی در فرانسه و سویس این تشخیص را مشکل و غیر لازم میداند و قایل به مصونیت کلی است.

و تشخیص بین اعمال به مناسبت سمت و اعمال به عنوان خصوصی در مورد مصونیت قضایی به عقیده آنان مفید فایده نیست. زیرا کلیه اعمال حقوقی که یک مامور دیپلماتیک به عنوان سمت رسمی خود می کند برای دولت خود و در حقیقت بنام دولت خود است. و طرف اختلافات حقوقی یک دولت خارجی است نه شخص دیپلمات تا مصونیت مصداق پیدا نکند. رویه معمول این جدا سازی را به تدریج عملا کنار میگذارد و مصونیت را شامل کلیه اعمال حقوقی مامور دیپلماتیک میکند.

حدود مصونیت قضایی شامل :

۱ - دعوای مربوط به مالکیت و تصرف اموال غیر منقول .

اصولا اموال غیر منقول تابع قوانین محل وقوع مال هستند. اگر ملک غیر منقول در کشور پذیرنده به نام دولت فرستنده سفارت یا به نمایندگی دولت فرستنده سفارت و یا به مالکیت آن خریداری شده باشد متعلق به دولت خارجی است که همیشه مصونیت قضایی دارد (چون جزو خاک دولت فرستنده به حساب می آید نه کشور پذیرنده، لذا باید در کشور فرستنده مورد بررسی قرار گیرد) ولی اگر مال غیر منقول را شخص دیپلمات برای خود و بنام خود خریده باشد مصونیت شامل دعوای نیست مگر آنکه مامور دیپلماتیک مال غیر منقول را به حساب دولت خود و برای ماموریت خود داشته باشد

۲ - دعوای مربوط به ارث .

در صورتیکه مامور دیپلماتیک وارث یا وصی یا مدیر اداره ترکه اموال غیر منقول واقع در کشور پذیرنده باشد مشمول مصونیت قضایی نیست.

۳- دعوای مربوط به یک فعالیت آزاد .

هر گاه مامور دیپلماتیک شخص (نه به عنوان سمت خود) علاوه بر شغل رسمی خود به کارهای آزاد و بازرگانی در کشور پذیرنده بپردازد در دعاوی مربوط به این فعالیت ها از مصونیت نمی تواند استفاده کند.

نکته : به طور کلی در سه مورد فوق احکام دادگاههای کشور پذیرنده در باره مامور دیپلماتیک قابل اجرا هستند. مشروط بر اینکه در احکام به مصونیت شخصی دیپلمات و خانه وی لطمه ای وارد نشود

مزایای دیپلماتیک :

مزایای از نظر مفهوم با مصونیت ها تفاوتی ندارد و هر دو امتیازاتی هستند که به شخص معینی داده می شود. در حالیکه به طور کلی اشخاص دیگر از آن بی بهره اند. و به همین جهت نیز در کلیه نوشته ها مصونیت ها و مزایای در یک فصل مورد بحث قرار میگیرند. اما از نظر فلسفه وجودی مصونیت ها از این جهت در باره ماموران دیپلماتیک بر قرار شده که حسن انجام خدمت به آن بستگی دارد. در صورتیکه مثلا پرداختن تکس یا تفتیش گمرکی اثاثیه دیپلمات مانع خدمت وی نیست. به این دلیل بعضی تلاش نموده اند بین مصونیت و مزایای مبنای حقوقی متفاوت پیدا کنند. مانند اینکه مصونیت تضمین است و مزایای برای حفظ حیثیت، یا مصونیت عدم شمول قوانین داخلی است و مزایای جانشین شدن یک قاعده استثنایی بر قواعد کلی قوانین داخلی است و از این رو تنها از نظر فلسفه وجودی است که میتوان مصونیت را بر اساس ضرورت به مصلحت و مزایای را به عنوان نزاکت از هم متمایز کرد. تشخیص این تمایز بی فایده نیست و از آن این نتیجه حاصل میشود که مصونیت دیپلماتیک یک قاعده عمومی مرسوم و قرار دادی است که به موجب قوانین داخلی نمی توان آن رانقض کرد و عدم رعایت آن موجب مسئولیت دولت متخلف است.

در صورتیکه بر قراری مزایا اگر به موجب قوانین داخلی نباشد فقط عرف و نزاکت است و عدم رعایت آن ایجاد مسئولیت بین المللی نمی کند. بنابراین تشخیص، مزایا جزو رسومی است که اگر در قوانین داخلی مسجل نشود رعایت یا عدم رعایت آن بستگی به رویه هر دولت پیدا میکند و بنابراین طبیعتاً در همه کشورها یکسان نیست. ولی چون معافیت است از پرداخت مالیات که یکی از کهن ترین رسوم در قسمت مزایای دیپلماتیک است در عهدنامه وین سال ۱۹۶۱ یک قاعده حقوقی بین المللی شد و در مواد "۲۳" و "۲۴" با ذکر استثنائات آن تصریح گردیده ، به این جهت یک تعهد قراردادی است برای دولت هایی که آن را امضاء کرده اند. (دولتی که عهد نامه را امضا کرده مسئولیت دارد).

اما مهمتری مزایای دیپلماتیک که در عهدنامه وین تصریح شده است عبارتند از **معافیت مالیاتی و معافیت گمرکی**:

۱- معافیت های مالیاتی :

ماده "۲۳" عهدنامه وین دولت فرستنده و رئیس ماموریت دیپلماتیک را از هر گونه مالیات و عوارض مربوط به محل سفارت معاف کرده و در ماده "۳۴" همه ماموران دیپلماتیک را مشمول این معافیت ها برای درآمدها و اموال آنها شناخته است. معافیت ماده اخیر متوجه اشخاص است بدون تشخیص هدف معافیت ولی از استثنائات مندرج در همین ماده ملاحظه می شود که موضوع معافیت اعمالی که برای ماموریت رسمی انجام شود نه به نفع اشخاص ، زیرا وضع مالیات از اعمال حاکمیت دولت است و چون هیچ دولتی تابع قوانین دولت دیگر که ناشی از اعمال حاکمیت اوست نمی تواند باشد، طبعا دولت ها به یکدیگر مالیات نمی پردازند. به این جهت محل سفارت و همچنین معامله محل سفارت و کلیه معاملات اموالی که متعلق به سفارت یعنی دولت فرستنده است از کلیه مالیات ها و عوارض معاف می باشد.

اما استثنائاتی بر معافیت مالیات ها و عوارض یعنی مواردی که سفارت و ماموران دیپلماتیک مشمول پرداخت مالیاتی میباشند وجود دارد که عبارتند از :

الف: مالیات های غیر مستقیم که در قیمت کالاها یا خدمات منظور شده است.

ب : مالیات ها و عوارضی که در مقابل انجام خدمات مشخص گرفته میشود (مثل حق انبار داری)

ج : مالیات ها و عوارض اموال غیر منقول واقع در کشور پذیرنده که ملک خصوصی مامور دیپلماتیک است مشروط به اینکه برای خدمات رسمی و به حساب دولت فرستنده خریداری نشده باشد.

د : مالیات بر ارث اموالی که در کشور پذیرنده واقع و دیپلمات آن را به ارث تملک کند.

ه : مالیات بر درآمدهای خصوصی دیپلمات که منبع آن کشور پذیرنده باشد .

و : حق الثبت معامله اموال غیر منقول متعلق به سفارت یا برای سفارت.

۲ - مزایای گمرکی :

معافیت مامور دیپلماتیک از عوارض گمرکی برای اموالی که وارد یا خارج میکند، مانند مزایای دیگر بر اساس قواعد حقوقی نیست بلکه ناشی از نزاکت و عمل متقابل است. از سوی دیگر در اینجا نیز تفاوت بین اموالی که سفارت برای استفاده ماموریت دیپلماتیک وارد میکند و متعلق به دولت فرستنده است و اموالی که دیپلمات برای مصرف شخصی خود وارد میکند وجود دارد. نوع اول چون متعلق به دولت خارجی است در معافیت کلی و عمومی آن تردیدی وجود ندارد ولی اموالی که دیپلمات برای مصرف خود وارد میکند بنا بر اصل نزاکت فقط تا حدودی از معافیت برخوردار است و هر کشور معمولاً با توجه به سهمیه ای که برای مقدار ورود هر کالا در سال برای طبقات مختلف دیپلمات ها معین کرده اجازه معافیت میدهد.

در مورد معافیت از تفتیش گمرکی از بسته ها و چمدان های همراه مامور دیپلماتیک عهدنامه وین در ماده "۳۶" ذکر کرده و معافیتی را که سابقاً بنا بر اصل نزاکت و عمل متقابل بود تایید نموده است. ولی در عین حال برای مامور گمرک در صورت داشتن ظن شدید در باره محتویات این حق را مورد شناسایی قرار داده که آنها را باز و تفتیش کند و در این موارد تفتیش باید با حضور شخص دیپلمات یا نماینده تام الاختیار وی باشد.

خاتمه ماموریت دیپلماتیک

ب - خاتمه ماموریت دیپلماتیک

خاتمه ماموریت سفیر یا عضو ماموریت دیپلماتیک در صورتیکه مربوط به موارد جنگ یا قطع کلی یا جزئی روابط دیپلماتیک نباشد به علل زیر است:

۱- علی که به دولت فرستنده ارتباط دارد (مانند خاتمه مدت ماموریت. احضار مامور دیپلماتیک ، تغییر و زیر امور خارجه و.....)

۲- علی که به دولت پذیرنده ارتباط دارد (مانند عدم رضایت دولت پذیرنده از مامور دیپلماتیک خارجی به علت خطا یا ارتکاب جرم و یا اعمالی که حضور او را در کشور پذیرنده نامطلوب نماید)

الف - قطع روابط دیپلماتیک

۱- وجود حالت جنگ بین دو کشور با اعلان رسمی

۲- قطع روابط دیپلماتیک بین دو کشور به علت بروز حادثه یا اختلاف شدید سیاسی

((بخش دوم))

آداب کنسولی

((فصل پنجم))

* حقوق کنسولی

* روابط کنسولی

* برقراری روابط کنسولی و آثار آن

حقوق کنسولی :

حقوق کنسولی مانند حقوق دیپلماتیک مجموعه قواعدی است که ناظر به قسمتی از روابط خارجی دولت است اما از حیث طبیعت با آن تفاوت دارد . حقوق دیپلماتیک مرتبط است به روابط سیاسی دولت با دولتهای دیگر ولی حقوق کنسولی جنبه اداری دارد . و موضوع آن حفظ منافع اتباع دولت است در خارج و اداره کردن امور مربوط به آنها که از وظایف اداری دولت است. به علت همین تفاوت در طبیعت، مامور دیپلماتیک مامور دولت نزد دولت دیگر است و مامور کنسولی مامور حکومت یک کشور نزد حکومت کشور دیگر است و تفاوت اختیارات و امتیازات مامور کنسولی و مامور دیپلماتیک نیز از همین جا ناشی میشود که به اولی صفت نمایندگی دیپلماتیک دولت را میدهد و دومی این صفت را ندارد.

عوامل بر قراری روابط کنسولی :

عوامل بر قراری روابط کنسولی بسیار است در اینجا دو تا از مهم ترین از این عوامل میتوان نام برد:

- ۱- تمایل دولت ها به حفظ منافع اتباع خودشان در کشور های بیگانه
- ۲- احتیاج دولت ها به یافتن اطلاعات اقتصادی و سیاسی از کشوری که اتباع شان در آن جا به فعالیت های بازرگانی اشتغال دارند. این جنبه اطلاعاتی کنسول به دولت ها اجازه از فرصت های مفید که امکانات بیشتر برای توسعه روابط بازرگانی و احیانا سیاسی خود فراهم میشود استفاده نمایند. در عین حال تجمع عده ای اتباع یک کشور در کشور دیگر مسایل شخصی متعددی نیز پیش می آورد. به عنوان مثال مرگ یک بازرگان تبعه خارجی، مسایلی مانند ارث، حقوق وارث و انجام وصیت و مسایل این چنینی را پیش خواهد آورد. یا ازدواج بین اتباع بیگانه یا تولد طفل از پدر و مادر تبعه خارجی یا طلاق و جدایی بین آنها آثار حقوقی خاصی را ایجاد می کند که ممکن است غالبا با حقوق و قواعدی که در کشور محل اقامت آنها جاری است متفاوت و گاه متعارض باشد.

اینگونه مسایل که به آنها احوال شخصیه گفته میشود از قدیم وجود داشته و امروزه در قوانین کلیه کشورها مقرراتی برای تامین حقوق بیگانگان از این حیث دیده میشود. و تنها در این موضوعات نیست که اتباع بیگانه با قوانین نافذه کشور خود و قوانین محل اقامت مواجه می شوند. مانند حق شرکت در انتخابات برای تبعه هر دولت هرچند مقیم خارج باشد و یا پرداخت مالیات بر درآمدی که از کشور خود بدست می آورد. اجرای کلیه قوانین نسبت به اتباع دولت در خارج به دست ماموری باید باشد که از خود و مامور مذکور همان است که عنوان کنسول دارد و به کلیه امور فوق الذکر و مسایل دیگری که مربوط به اتباع می شود امور کنسولی گفته میشود.

به کلیه امور فوق الذکر و مسائل دیگری که مربوط به اتباع می شود امور کنسولی . گفته می شود .

لذا ضرورت روابط دیپلماتیک ضرورت سیاسی است و در روابط کنسولی بیشتر حقوقی است . از آنجا که انجام امور کنسولی حمایت از اتباع کشور در کشور دیگری است می توان گفت : آنچه حقوق کنسولی به معنای اعم را تشکیل می دهد استثنائی بر دو اصل حاکمیت و تساوی دول است و چون هر استثناء بر اصل باید مصرح و مشخص باشد ، حقوق کنسولی نیز باید علاوه بر اینکه مورد قبول دو طرف باشد، حدود و جزئیات آن در قرارداد دو جانبه مشخص باشد.

برقراری روابط کنسولی و آثار آن :

برقراری روابط کنسولی مانند روابط دیپلماتیک محتاج به توافق قبلی است. این توافق از حیث حقوق افراد تبعه خارجی مربوط به شرایطی است که دو دولت در عهدنامه دو جانبه مابین خود معین میکنند و از حیث حقوق و وظایف ماموران کنسولی تابع قواعدی است که در عهدنامه ۱۹۶۳ وین در خصوص روابط کنسولی آمده است.

تفاوت های روابط دیپلماتیک و روابط کنسولی :

۱- ایجاد روابط دیپلماتیک بین دو دولت مشروط به این است که قبلا یک دیگر را به رسمیت شناخته باشند و درباره دولتی که تغییر شکل داده ادامه ماموریت سفیر و مراجعه او به مقامات دولت جدید به معنای شناسایی است. اما ایجاد روابط کنسولی بدون روابط دیپلماتیک الزام به شناسایی ندارد و مشروط به شناسایی رسمی قبلی نیست. نتیجه ضمنی این است که روابط کنسولی با یک کشور غیر مستقل هم برقرار شده میتواند.

(مثل کشور های تحت الحمايه که نمیتواند روابط خارجی بدون حمایت کشور مادر برقرار نماید) به همین جهت در باره دولت جدید نیز نگاه داشتن کنسول و ماموران کنسول دلیل شناسایی رسمی آن دولت جدید تلقی نمی شود. روابط دیپلماتیک بین دو دولت برای همکاری های سیاسی است بدون توجه به این که دو طرف در کشور هم اتباع ساکن و مقیم دارند یا خیر. در صورتیکه روابط کنسولی روابط بین یک دولت و اتباع او در کشور دیگر است. از این رو تاسیس روابط کنسولی جنبه اداری دارد و رابطه سیاسی بین دو دولت برقرار نمی کند. به همین دلیل رابطه دیپلماتیک فقط بین دولت های مستقل است در صورتیکه رابطه کنسولی مستلزم استقلال کامل دو طرف نیست.

۲ - رابطه دیپلماتیک رابطه دولتی است و اگر قرار دادی جداگانه در مورد وضع اتباع طرفین نباشد لا اقل در حدود عرف بین المللی مورد قبول همه دولت ها بوده که بعد در عهدنامه های ۱۸۱۵ و ۱۹۶۱ وین تدوین شده است. بنابراین با برقراری روابط دیپلماتیک و تاسیس ماموریت دیپلماتیک روابط کنسولی نیز به طور کلی برقرار میشود و بدون اینکه احتیاج به تعیین مامور کنسولی خاص باشد سفارت میتواند یکی عضو خود را به عنوان مامور امور کنسولی به دولت پذیرنده معرفی کند و مامور مذکور کلیه وظایف کنسولی را انجام دهد. بر عکس تاسیس روابط کنسولی متضمن روابط دیپلماتیک نیست و مامور کنسولی نمی تواند در امور سیاسی بین دو دولت مداخله کند مگر در شرایط خاص.

۳ - در قرار داد های شناسایی رسمی یک دولت و یا قرارداد های دوستی که بین دو دولت امضاء میشود و ماموریت دیپلماتیک به دنبال آن برقرار میگردد ذکری از اختیارات و امتیازات حقوق ماموران دیپلماتیک نمی شود زیرا همه این مسایل به استثنای بعضی جزئیات در عرف بین الملل آنقدر عمومیت داشته است و دارد که بی نیاز از تصریح است. بر عکس در قرار داد های کنسولی دو جانبه همه این مسایل قید میشود و حقوق کنسولی که در عهد نامه ۱۹۶۱ وین تدوین شده در واقع اخذ شده از همان قرار داد های دو جانبه است.

۴- در صورت اختلاف بین دو دولت راجع به اختیارات و حقوق ماموران دیپلماتیک پیش از عهدنامه ۱۹۶۱ وین عرف و رسوم معمولاً مبنای رای مرجع رسیدگی کننده بود ولی در مورد اختیارات و وظایف کنسول و حقوق اتباع دولت متبوع کنسول رسوم نقش کم اهمیت تری دارد و رسیدگی بر اساس قرارداد های دوجانبه بین دو دولت (قرارداد کنسولی و قرار داد بازرگانی و امثال آن) است.

((فصل ششم))

- * انواع وظایف کنسولی
- * اعضاء پست کنسولی
- * تعیین رئیس مأموریت کنسولی

انواع وظایف کنسولی :

عهدنامه وین ۱۹۶۱ درباره وظایف کنسول به طور تفصیل سیزده نوع مشخص کرده که میتوان آنها را در پنج نوع کلی خلاصه کرد که عبارتند از :

۱- حفظ منافع دولت فرستنده و اتباع آن

در این قسمت انواع منافع ملحوظ است. مانند مناسبات بازرگانی و اقتصادی و فرهنگی و روابط دوستانه، حفظ منافع خصوصی اتباع در مورد ارث، نمایندگی اتباع یا تعیین نماینده اتباع نزد دادگاهها و هر نوع اقدام دیگر برای اینکه منافع اتباع در صورت غیبت یا عدم آزادی آنان حفظ و از حقوق آنان دفاع شود. هم چنین رسانیدن کمک به کشتی ها و هواپیماهای متعلق به افراد کشور خود یا دولت متبوع و کارکنان آنان.

۲- کمک به توسعه مناسبات بازرگانی ، اقتصادی و فرهنگی بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده و تحقیق و کسب اطلاعات لازم به این منظور از اوضاع و تحولات بازرگانی ، اقتصادی و فرهنگی در کشور پذیرنده و دادن آن اطلاعات به کشور خود.

۳ - انجام بعضی خدمات دولتی برای اتباع خود در دولت پذیرنده مانند صدور پاسپورت و ویزا و اسناد مسافرت و صدور تذکره و تصدیق اسناد و انجام آنچه که عهده دفاتر اسناد رسمی است.

۴ - کنترل و بازرسی نسبت به کشتی های دریایی یا رود خانه ای که نزد دولت فرستنده ثبت شده و هواپیماهایی که تابعیت دولت فرستنده دارند و کارکنان و خدمه آنان .

۵ - ابلاغ اسناد قضایی و اداری یا اجرای نیابت قضایی بر طبق موافقت نامه های بین المللی و در حدودی که قوانین دولت پذیرنده اجازه داده باشد.

اعضای پست کنسولی :

یک ماموریت کنسولی مانند یک ماموریت دیپلماتیک دارای یک رئیس و عده ای اعضاء است و ماده (۹) کنوانسیون ۱۹۶۳ وین اعضای پست کنسولی را چهار طبقه تقسیم نموده است که به شرح زیر است:

الف : سر کنسول

ب : کنسول

ج : کنسولیار

د : نماینده کنسولی

در همین جا ذکر این نکته ضروری است که طبقات دوم به بعد یعنی کنسولیار و نماینده کنسولی تنها وقتی می توانند به سمت رئیس دایمی ماموریت منصوب شوند که از طبقه بالاتر در آن پست نباشد . عنوان طبقات فوق همان است که در عرف بین الملل و عهدنامه های کنسولی معمول بوده است . لیکن دولت ها در تعیین و تعداد افراد هر طبقه مختارند به استثنای رئیس ماموریت کنسولی که بیش از یک نفر در هر پست نمی تواند باشد .

تعیین رئیس ماموریت کنسولی :

رئیس هر پست کنسولی از طرف دولت فرستنده تعیین می شود ولی دولت پذیرنده باید با ماموریت او در کشور خود موافقت کند. دولت فرستنده سندی حاوی نام و جزئیات هویت و طبقه و حوزه ماموریت و نیز نام مقر پست کنسولی را صادر میکند و آن را از طریق دیپلماتیک (سفارت) یا هر طریق دیگر از جمله به وسیله خود رئیس پست کنسولی برای دولت پذیرنده می فرستد . اگر دولت پذیرنده با ماموریت آن شخص برای تصدی سر کنسولی و برای محلی که ذکر شده موافق باشد اطلاع میدهد که و این پذیرش که در باره رئیس پست کنسولی (روانامه) نامیده میشود و بر عکس پذیرش دیپلماتیک ، قابل استرداد است . دولت پذیرنده اگر با تعیین شخص مذکور موافق نباشد از دادن روانامه خود داری میکند و مجبور نیست علت رد تقاضای پذیرش شخص تعیین شده را اظهار کند .

از سوی دیگر همان طور که در غیاب سفیر عضو مقدم سفارت به عنوان کاردار معرفی میشود و وظایف او را انجام در غیاب رئیس پست کنسولی یا به علت ممنوعیت وی ممکن است شخص دیگری خواه از اعضای پست کنسولی یا دیگری موقتا برای انجام وظایف رئیس پست کنسولی معرفی شود. این معرفی به وسیله سفارت دولت فرستنده یا هر مقام دیگر آن دولت به وزارت امور خارجه دولت پذیرنده میشود. و وزارت امور خارجه تصدی موقت شخص تعیین شده را در صورتیکه از ماموران دیپلماتیک یا مامور کنسولی دولت فرستنده در همان پست نباشد موکول به موافقت خود میکند. و همین که این معرفی و یا موافقت انجام شد رئیس موقت پست کنسولی مشمول کلیه مقررات کنوانسیون ۱۹۶۳ وین میشود. ولی دولت پذیرنده الزامی ندارد که به این شخص حق استفاده از تمام مصونیت ها و مزایایی را که یک رئیس عادی پست کنسولی دارد بدهد.

تقدم و تاخر بین روسای کنسولی :

در روابط کنسولی هم مثل مامورین دیپلماتیک تشریفاتی وجود دارد . حق تقدم با کسی است که تاریخ ” روانامه ” او مقدم است . پس از ردیف روسای پست کنسولی ، روسای موقت بر حسب تاریخ شروع بکار و پس از آنها روسای افتخاری پست کنسولی هستند .

((فصل هفتم))

* انواع مصونیت های کنسولی

مصونیت‌ها مزایای کنسولی :

در باره کنسول‌ها هیچگونه مصونیت و مزایا نبوده و دولت‌ها هر کدام تنها بر اساس اصل "مصاحت" و بنا بر توافق در معاهدات خود مصونیت‌ها و مزایایی در نظر می‌گیرد.

اماکن کنسولی از ورود مقامات و ماموران مصون است مگر کنسول اجازه بدهد، اما در حوادث غیر مترقبه این اجازه ندیده گرفته می‌شود.

اگر محل کنسولگری متعلق به دولت فرستنده باشد و دولت پذیرنده به جهاتی ضرورت بداند می‌تواند بشرط پرداخت غرامت از آن سلب مالکیت کند.

بطور کلی مصونیت‌هایی که در باره محل ماموریت دیپلماتیک و پست و ارتباطات و ارسال مکاتبات رسمی و پیک سیاسی وجود داشت برای پست کنسولی هم وجود دارد.

کنسول در هر حال حق ملاقات و تعیین وکیل برای تبعه کشورش را که در بازداشت بسر می‌برد را دارد.

انواع مصونیت های کنسولی :

همانطور که دیده شد مصونیت دیپلماتیک هرچند که مبنای آن ضرورت حسن انجام وظیفه دیپلماتیک دانسته شده ولی چون مأموریت دیپلماتیک شکل خاص ندارد و تابع موقع و محل نیست همه جا و همه وقت همراه اوست اگر چه خارج از محل کار و در یک موقعیت غیر رسمی باشد. در نتیجه مصونیت متعلق به شخص دیپلمات می شود به سبب عنوانی که دارد. بر عکس مأمور کنسولی شخصا مصونیتی ندارد و آنچه که قرار های دول و عرف و رسم به او داده فقط به همین منظور بوده که در راه انجام وظایف وی مانع ایجاد نشود. در نتیجه اگر برای کنسول مانعی در راه انجام وظایف نباشد یا در خارج از موقع و محل مأموریت باشد مصونیت وی هم تا حدود زیادی از بین می رود. و کنوانسیون وین ۱۹۶۳ وین نیز همین ضوابط را اساس رویه دول در روابط کنسولی آنها قرار داده است.

مصونیت های کنسولی بطور کلی به دو نوع جزائی و حقوقی تقسیم می شود :

در نوع جزائی مصونیت های کنسولی بر خلاف مصونیت های دیپلماتیک ، مطلق و نا محدود نیست که در اسلاید بعدی به سه مورد آن اشاره می شود .

ماموران کنسولی مانند ماموران دیپلماتیک از مزایایی بصورت معافیت بر خوردارند ، این معافیت ها عبارتند از مالیات های شخصی و مالی مملکتی و منطقه ای و شهری و حقوق گمرکی پروانه اقامت و کار و بیمه اجتماعی که شامل خود و خانواده که در منزل او سکونت دارند می شود . البته بجز اموال غیر منقول متعلق به کنسول که در کشور پذیرنده بدس اید و ارثی که از تبعه داخلی به او برسد و یا در آمدی که از فعالیت خصوصی او بدست آمده باشد که هین ها از معافیت بر خور دار نیستند .

مصونیت جزایی کنسولی :

مصونیت جزایی کنسول بر خلاف مصونیت دیپلماتیک مطلق و نامحدود نیست.

اولا: مامور کنسولی کاملا مصون از تعقیب جزایی نمی باشد به این معنی که اگر تحت تعقیب قرار گرفت باید نزد مقامات صلاحیتدار دولت پذیرنده حاضر شود. منتها از مزایایی برخوردار می شود که انجام وظایف یا سمت وی اقتضا دارد. و این مزایا نیز در حد ضرورت است. مثل اینکه در تعقیب باید رعایت احترام که در شان مقام مامور کنسولی است بشود و یا اگر اتهام انقدر شدید نباشد که مستلزم بازداشت فوری مامور کنسولی باشد تعقیب به ترتیبی باید باشد که حتی المقدور مانع انجام وظایف کنسولی نگردد.

بنابراین مصونیت قضایی مامور کنسولی تا حدودی است که مستقیما مربوط به وظایف رسمی او و در حد تعقیب باشد. خارج از این حد اگر عمل مامور کنسولی جنایت مهم باشد، ممکن است با تصمیم مقامات قضایی موقتا و تا زمان دادرسی بازداشت شود و به طور کلی اگر داد گاه رای قطعی صادر کرده باشد زندانی شود.

ثانیا: مصونیت کنسولی در دعاوی حقوقی برای ماموران کنسولی حتی اگر در انجام وظایف کنسول باشد مانند دعاوی خسارت شخص ثالثی از تصادف وسیله نقلیه یا دعاوی راجع به قراردادی که مامور کنسولی به منظور عملیات مربوط به پست کنسولی وی بدون ذکر نمایندگی از طرف دولت فرستنده بسته باشد.

ثالثا: مامور کنسولی را میتوان برای ادای شهادت احضار نمود ولی اگر مامور کنسولی از دادن شهادت خودداری کند هیچ اقدام قهری و اجباری علیه او نباید بشود. به علاوه مامور کنسولی مکلف نیست در امور مربوط وظایف خود شهادت بدهد. یا اسناد و مکاتب رسمی مربوط به آن را ارائه کند.

خاتمه ماموریت کنسولی :

برابر ماده ۲۵ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین پایان ماموریت کنسولی به دو شکل است :

الف : مواردی که مربوط به دولت فرستنده است .

۱ - پایان خدمت مامور .

۲ - حذف یک یا چند پست کنسولی .

۳ - انتقال مامور به محل دیگر .

۴ - تنبیه مامور .

ب : مواردی که مربوط به کشور پذیرنده است .

اعلام کشور پذیرنده به اینکه مامور کنسولی را قبول ندارد و اعلام نامطلوب بودن او که به دو شکل است :

یکی اعلام نامطلوب بودن مامور و دیگری اعلام غیر قابل قبول بودن او .

اولی معمولا مربوط به شخص کنسول و دومی مربوط به دیگر کارکنان کنسولگری است .

البته در صورت امتناع دولت فرستنده از احضار مامور کنسولی دولت پذیرنده می تواند ” روانامه او را لغو نماید .

مهم : همانطور که کشور اعزام کننده ملزم به ذکر دلیل جابجایی مامور خود نیست ، کشور پذیرنده هم ملزم به ذکر دلایل نامطلوب بودن مامور کنسولی نخواهد بود .

مَشْكُورٌ

والسلام عليكم ورحمة الله